



# انترناسیونال ۴۵۸

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



www.m-hekmat.com منصور حکمت

جمعه ۲ تیر ۱۳۹۱، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ - ۱۲ صفحه

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

## جمهوری اسلامی از دیدگاه منصور حکمت

یک سؤال از حمید تقوایی در مورد نظرات منصور حکمت در قبال  
جمهوری اسلامی و شرایط سیاسی ایران

ادامه صفحه ۲

### شرایط جهانی

## و چشم انداز انفجاری سیاسی در ایران

سیاسی در ایران را تحت تاثیر قرار  
داده و کلا تعادل قوا و مناسبات  
تازه ای در ایران بوجود آورده است.

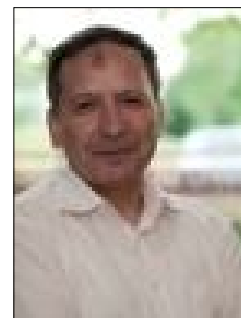
است که در چند سال اخیر در  
منطقه و در سطح جهانی بوجود  
آمده است. این شرایط نه تنها  
حکومت بلکه جنبشها و نیروهای

### حمید تقوایی

تحریمها، احتمال جنگ و روابط  
غرب با رژیم خود معلول شرایطی

ادامه صفحه ۳

## کسی احمدی نژاد را در برزیل تحویل نگرفت



### بهروز مهرآبادی

جمهور برزیل نیز رد شد و رئیس  
جمهوری برزیل حاضر به ملاقات  
با احمدی نژاد نشد. و تازه اینهم  
تمام ماجرا نبود. شهردار شهر  
ریو مراسم پرده برداری از یک  
ستون بدلی تخت جمشید را که  
جمهوری اسلام به این شهر  
فرستاده بود، لغو کرد. می توان  
دریافت که تقدیم هدایا و دادن  
امتیازات اقتصادی و سیاسی هم  
کمکی به جمهوری اسلامی  
نکرده است.

رئیس جمهوری یک حکومت  
منفور و رسوا بودن کار سختی  
است. شاید هیچ رئیس دولتی در  
تاریخ اینگونه که همین هفته  
احمدی نژاد در برزیل تحقیر شد،  
تحقیر نشده باشد. این یک واقعه  
استثنائی در مناسبات  
دیپلماتیک جهان بود. احمدی  
نژاد روز چهارشنبه اول تیر برای  
شرکت در کنفرانس "ریو + ۲۰"  
به برزیل رفت. اما برخلاف عرف  
دیپلماتیک، هیچکدام از  
مقامات رسمی این کشور حاضر  
نشدند برای استقبال از او به  
فرودگاه بروند. جمهوری اسلامی  
ناچار شد برای خالی نبودن  
عریضه رئیس سازمان محیط  
زیست خود را به استقبال رئیس  
دولتش بفرستد. اما کار به  
همینجا ختم نشد. تقاضای  
رسمی احمدی نژاد برای ملاقات  
با خانم دیلما روسف رئیس

شهر ریودوژانیرو در روزهای  
اخیر شاهد تظاهرات های  
مختلفی بر علیه سفر احمدی  
نژاد به کشور برزیل بوده است.  
مردم برزیل اعلام کردند که  
حاضر نیستند رئیس یک  
حکومت فاشیست که رسماً  
هولوکاست را انکار می کند،  
پذیرند. ماهیت کثیف و ضد  
انسانی جمهوری اسلامی در  
سالهای اخیر بیش از پیش برای  
مردم برزیل افشا شده است و  
حضور مینا احدی و پتی  
دوینیتاس در برزیل در یک سال  
اخیر، سخنرانی های آنها و  
انعکاس فعالیت های کمیته  
علیه اعدام در رسانه های برزیل  
تاثیر مهمی در واکنش مردم  
برزیل داشته است. در واقع

ادامه صفحه ۹

## مذاکرات مسکو: یک گام به عقب

### خلیل کیوان

ادامه صفحه ۱۰

## حجاب، "طرح امنیت اجتماعی" و وحشت رژیم

### شهلا دانشفر

ادامه صفحه ۵

### بازتاب هفته

"۵ جبهه بسیار فعال علیه نظام"

محمد شکوهی

ادامه تلاش ها برای نجات خامنه ای و  
خلاصی از شر "بحران ولایت فقیه"  
"نظارت حراستی!"

هادی وقتی

رویارویی انقلاب و ضد انقلاب در مصر!

محمد شکوهی

صفحات ۶-۷

### صفحات دیگر

گزارشی از دو ملاقات با کمیسیون  
حقوق بشر دولت آلمان و  
کمیسیون حقوق بشر  
پارلمان اروپا

اطلاعیه کمیته مبارزه برای  
آزادی زندانیان سیاسی در ایران درمورد  
برگزاری اعتراضات و تظاهرات در  
۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جمهوری اسلامی از دیدگاه منصور حکمت

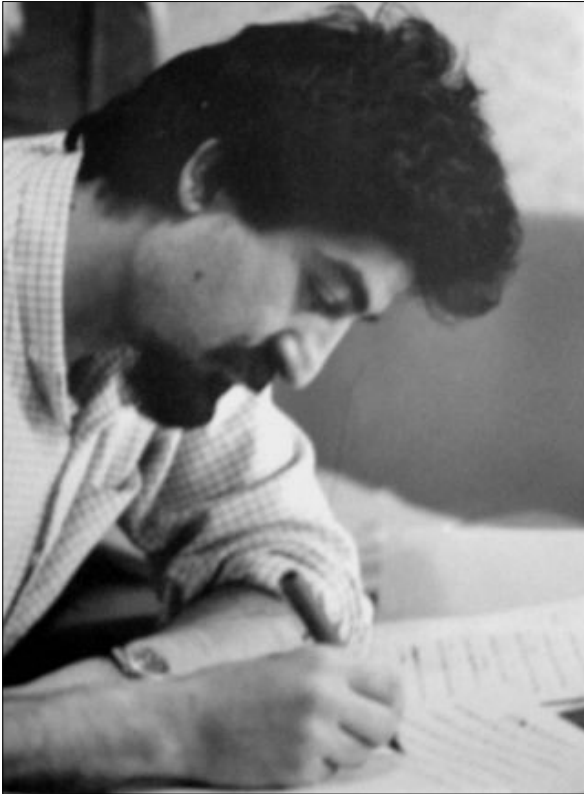
### یک سؤال از حمید تقوائی در مورد نظرات منصور حکمت در قبال جمهوری اسلامی و شرایط سیاسی ایران

از صفحه ۱

انترناسیونال - پس از گذشت ده سال از مرگ منصور حکمت، نظرات و مواضع او درباره جمهوری اسلامی و کلا وضعیت سیاسی در ایران اکنون یعنی سال ۹۱، تا چه میزان قابل انطباق و معتبر است؟ حمید تقوائی - به نظر من تحولات ده سال اخیر نظرات منصور حکمت در مورد جمهوری اسلامی را کاملا مورد تایید قرار داده است. روشن است که بعد از منصور حکمت شرایط سیاسی در ایران - و همچنین در سطح جهانی - بسیار تغییر کرده است. منظور من صرفا تحولات چند ساله اخیر، انقلاب هشتاد و هشت ایران و انقلابات منطقه و بروز انفجاری بحران سرمایه داری و پیامدهای آن، نیست بلکه تحولاتی است که از همان اواخر سال ۲۰۰۲ در ایران آغاز شد. بیاد داشته باشیم که شکل گیری کمیته ها و نهادهای مبارزاتی کارگری و قدم بمیدان گذاشتن فعالین شناخته شده در جنبش کارگری، مبارزات و

اعتصابات وسیع نساجیها در سنجند و بخشهای دیگر جنبش کارگری در کردستان، اعتراضات سراسری معلمان، اعتصاب پرشکوه کارگران شرکت واحد، شکل گیری جنبش دفاع از حقوق کودک، مطرح شدن شعار آزادی برابری در دانشگاهها، گسترش و اوچگیری جنبش ضد مذهبی و غیره و غیره همه اینها بعد از درگذشت منصور حکمت اتفاق افتاد. این تحولات تماما منطبق بر تحلیل و تبیینی بود که منصور حکمت از شرایط سیاسی در ایران بدست میداد و پیش بینی میکرد. تحولات چند ساله اخیر، از خیزش انقلابی هشتاد و هشت تا ورشکستگی سیاسی اپوزیسیون پرو رژیم و تا تشدید بحران درونی جمهوری اسلامی در ابعاد بیسابقه ای که امروز شاهد آن هستیم نیز بطریق اولی تاکید دیگری بر تحلیل و مواضع نظرات منصور حکمت است. اولین شاخص نظرات منصور حکمت در مورد جمهوری اسلامی این است که این رژیم از نظر

سیاسی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وصله ناجوری به تن جامعه ایران است و نمیتواند به رژیم متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود. او نشان میدهد که جامعه ایران، برخلاف ادعای دولتها و رسانه های غربی و اپوزیسیون ملی - اسلامی و حتی برخی از نیروهای اپوزیسیون راست جمهوریخواه و سلطنت طلب، نه تنها يك "جامعه اسلامی" نیست بلکه وسیعا ضد مذهب است و هیچگاه رژیم اسلامی را نپذیرفته است. منصور حکمت انقلاب ۵۷ را تحولی آزادیخواهانه و بر حق و جمهوری اسلامی را عامل و نیروی سرکوب کننده آن میدانست. او از جمله در تحلیل درخشان "تاریخ شکست نخوردگان" نشان میدهد که چطور نه انقلاب بلکه ضد انقلاب در ایران ۵۷ اسلامی چطور و چرا جمهوری اسلامی ادامه رژیم شاه بود و چطور ۳۰ خرداد ۶۰ به ۱۷ شهریور ۵۷ و بنی صدر به ازهاری وصل میشود. در شرایط امروز، هم بحران لاعلاج اقتصادی - سیاسی رژیم که بمراتب



در مورد نامتعارف بودن حکومت و ناخوانی سیاسی - فرهنگی - اجتماعی آن با جامعه ایران را به ادامه صفحه ۸

گسترده تر و عمیق از دهسال قبل شده است و هم رسوائی جهانی رژیم اسلامی در اثر انقلاب ۸۸ بعنوان يك حکومت وحشی و قاتل مردم، صحت تحلیلهای منصور حکمت

## منصور حکمت پس از ده سال

### بهروز مهرآبادی

نمی توان باور کرد که ده سال پیش منصور حکمت از میان ما رفت. او را می شود در خیابان های تهران دید و در بین مردمی که فریاد مرگ بر دیکتاتور سر می دهند و به مقابله با اوباش سرکوبگر رژیم برمی خیزند. او را با لبخند همیشگی اش می توان در میان جوانانی دید که در پارک های تهران آب بازی می کنند و قوانین اسلامی را به ریشخند می

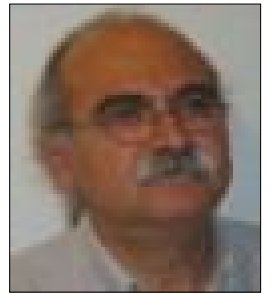
گیرند، او را می توان در بین کارگران پتروشیمی دید که خود را برای حرکتی دیگر سازماندهی می کنند، او را در صف معترضین به اعدام و سنگسار در خیابانهای استکهلم می توان دید. او را در بین پناهندگان متحصن فرانکفورت می توان دید و یا در خیابانهای کلن که باندرولی با خواست آزادی زندانیان سیاسی در دست دارد. منصور حکمت را در میدان تحریر قاهره می توان پیدا کرد و یا در زیر گلوله باران ارتش

سوریه و نگران مردمی که تلاش می کنند کمیته های انقلابی خود را سازمان دهند. منصور حکمت در خیابانهای نیویورک و در بین مردمی بود که به اشغال وال استریت می رفتند، او را در اجتماع ۹۹ درصدی ها در مرکز شهر ونکوور و یا در لندن می توان یافت. منصور حکمت در کنار غولی است که تازه سر از خواب برداشته است. هم او که ۱۲ سال پیش درباره آن گفت: "یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سر

آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمیدانند که واقعا يك بشریت متمنن، يك جهان متمنن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد." ده سال پس از مرگ، منصور حکمت قویتر اثبات شد و پاسخ او

به "چه باید کرد" کارگران ایران و همه مردم جهان با صدای آشکار تر و روشن تر در مقابل چشمها قرار گرفت. پاسخی که امکان و ضرورت تغییر جهان وارونه را بیان می کند و اینکه تاریخ به پایان خود نرسیده و چشم انداز يك دنیای بهتر را در افق می توان دید. مرگ منصور حکمت زود هنگام بود. اما در همان فرصت کم او توانست امید به يك آینده روشن و پیروزی کمونیسم را در قلبها بارور کند و حزبی بسازد که مصمم برای تحقق آرمانهای او گام برمی دارد.

## شرایط جهانی و چشم انداز انفجار سیاسی در ایران



حمید تقوی

از صفحه ۱

جامعه ایران در آستانه يك انفجار سیاسی است. گسترش بیسابقه گرانی و فقر و بیکاری، گسترش اعدامها و سرکوبها، رکود و ورشکستگی اقتصادی، روشن شدن اختلاسها و دزدیهای میلیاردی باندهای حکومتی و بالا گرفتن اختلافات و نزاعها و خودافشگری هایشان همه نشانه اینست که این وضعیت قابل ادامه نیست. مردم بیش از پیش تحمل خود را از دست میدهند و رژیم بیش از پیش توان خود را. این شرایط به يك انفجار اجتماعی منجر خواهد شد که حتی خود مقامات - تحت عنوان سونامی بیکاری و "فتنه" ای بمراتب شدید تر از "فتنه هشتاد و هشت" - از آن یاد میکنند و به یکدیگر هشدار میدهند.

در نگاه اول چنین به نظر میرسد که تحریمهای اقتصادی و فشار دولتهای غربی موجب این شرایط بوده است، اما این فقط ظاهر قضیه است. این تعبیری است که جمهوری اسلامی میخواهد از این شرایط بدست بدهد. مساله بسیار فراتر از تحریمها و یا کلا رابطه دولتها با جمهوری اسلامی است. وضعیت سیاسی ایران و موقعیت امروز رژیم اسلامی برآیند تحولاتی جهانی - منطقه ای از یکسو و موقعیت تازه جنبشهای اجتماعی در ایران از سوی دیگر است. بعبارت دیگر تحریمها،

پیشرویههای چشمگیر یکی بر دیگری، بلکه با بمیدان آمدن قطب سوم به به حاشیه رانده شد. در شرق و در خود غرب توده های میلیونی مردمی به خیابان آمدند که خواستها و مبارزات و اعتراضاتشان - بر خلاف انقلابات مخملی دهه نود - نه در چارچوب دموکراسی و رقابت آزاد می گنجید و نه در چارچوب غرب ستیزی و ضد آمریکائی گریهای نیروهای اسلامی. این همان شورش گرسنگان بود که صندوق بین المللی پول بعد از فروریزی وال استریت در موردش هشدار داده بود و منصور حکمت در دنیا بعد از یازده سپتامبر بعنوان جهان متمدن و غول خفته ای که بیدار خواهد شد نوید داه بود. جمهوری اسلامی در ابتدا کوشید این انقلابات را بحساب خود واریز کند ولی به سرعت معلوم شد هیچ رگه ی اسلامی در این مبارزات وجود ندارد و اسلام سیاسی در واقع خود یکی از قربانیان این انقلابات است. اما مشکل جمهوری اسلامی تنها بی ربطی به این انقلابات که در "جوامع اسلامی" و در مواردی مثل مصر و تونس در حیات خلوت امریکا رخ میدادند نبود بلکه مهمتر از آن مسری بودن و قابل تعمیم بودن این جنبشهای انقلابی به خود جامعه ایران بود. امروز جمهوری اسلامی در کنار رژیم اسد مستقیما و علنا بعنوان يك نیروی کشتار مردم پیا خاسته سوریه عمل میکند چرا که بدرست در سقوط اسد سقوط خود را می بیند.

علاوه بر رژیم اسد نیروهای دیگر قطب اسلام سیاسی در منطقه نظیر حزب الله لبنان و حماس نیز به موقعیت بسیار ضعیف تری از گذشته رانده شده اند. اما مهمترین فاکتور هنوز این عقب نشینی اسلامیون نیست. مساله مهمتر اینستکه دوره ای که با انقلاب تونس آغاز شد کل جنبش اسلام سیاسی در سطح دنیا را از صدر و محور تحولات به پائین کشید و گفتمان انقلاب و نان و آزادی و

کرامت انسانی را به صدر تحولات راند. در تمام دهه گذشته هر تحول سیاسی در چهار گوشه دنیا به نحو مستقیم و یا غیرمستقیم به تقابل و کشمکش "دموکراسی غرب" با اسلام سیاسی مربوط میشد و در رسانه ها و در افکار عمومی مردم دنیا هر نوع مخالفت و اعتراضی به سیاستهای دولت امریکا و سایر دولتهای غربی خودبخود مهر اسلام سیاسی را بر خود داشت. انقلابات منطقه و بدنبال آن جنبش ۹۹ درصدیها کل این توازن را به نفع مردم و به ضرر هر دو قطب تروریستی در هم ریخت. و این محکمترین ضربه به اسلام سیاسی و "انقلابیگری" نوع جمهوری اسلامی بود.

### رابطه غرب با جمهوری اسلامی

تضعیف اسلام سیاسی در منطقه برای دولت امریکا و هم پیمانانش يك امتیاز و فاکتور مطلوب محسوب میشود. بخصوص با سیاست نسبتا - و تا امروز - موفقیت آمیز تن دادن به حد اقل تغییرات در منطقه برای حفظ وضع موجود امریکا و دول غرب توانستند کنترل نسبی خود را بر اوضاع حفظ کنند. بجلو صحنه رانده شدن نیروهای اسلامی پرو غرب در مصر و لیبی و تونس، عروج ترکیه و شکل گیری محور ترکیه - عربستان و امیرنشینهای خلیج در برابر بلوک بهم ریخته سوریه - ایران - حزب الله، و تضعیف نیروهای اسلامی طرفدار جمهوری اسلامی در عراق و فلسطین اینها از جمله فاکتورهای است که به نفع غرب و به ضرر جمهوری اسلامی عمل میکنند. توافق نظر و ائتلافی که امروز بین امریکا و اروپای واحد و روسیه و چین بر سر تحریم جمهوری اسلامی شکل گرفته است و در دستور قرار گرفتن مذاکرات اتمی حاصل این شرایط تازه است. امریکا و هم پیمانانش فکر میکنند در شرایط به عقب رانده شدن اسلام سیاسی

در منطقه میتوانند جمهوری اسلامی را به پذیرش سیاستهای خود - ابتدا در زمینه انرژی هسته ای و در گامهای بعدی در چارچوب سیاستها منطقه ای مطلوب خود - مجبور و رام و سر براه کنند. گفتمان رژیم چنج و تغییر رژیم از بالا و حمله نظامی - که پائین تر توضیح خواهم داد - به همراه نئونکسرویتسیسم میلیتاریستی نماینده این سیاستها به حاشیه رانده شده و سیاست تعامل و مذاکره باب طبع اروپای واحد و روسیه و چین در دستور قرار گرفته است. بر خلاف تصور رایج تجربه لیبی و مصر - و امروز سوریه - نه تنها سیاست حمله نظامی به ایران را در چشم انداز دولت امریکا قرار نداد بلکه بر عکس امید به رام کردن حکومت اسلامی بر سر میز مذاکره را بالا برد. تشدید تحریمهای اقتصادی و همزمان مذاکره بر سر انرژی هسته ای خود یکی از نتایج این سیاست است. بعبارت دیگر تحریم اقتصادی نه پیش درآمد حمله نظامی بلکه بر عکس آلترناتیو آن است و از همین رو توانسته است حمایت اروپای واحد و چین و روسیه را نیز جلب کند. ممکن است گزینه نظامی مجددا روی میز قرار بگیرد اما این مستلزم زمینه سازیها و مناسبات سیاسی تازه ای میان دولتهای طرف مذاکره - و یا طرف جنگ - جمهوری اسلامی است که فعلا در چشم انداز قرار ندارد.

### احتمال جنگ

امروز تا حد زیادی سروصدائی که حدود یکسال قبل در مورد حمله نظامی امریکا و یا اسرائیل به ایران بالا گرفته بود فروکش کرده است اما همان زمان هم روشن بود که این بیشتر يك هیاهوی دیپلماتیک و تبلیغاتی است تا يك احتمال واقعی. به نظر من در شرایط حاضر احتمال حمله به ایران از هر دوره دیگری ضعیف تر است.

## شرایط جهانی و چشم انداز انفجار سیاسی در ایران

از صفحه ۳

تنها فاکتوری که ممکن است احتمال حمله نظامی را بالا ببرد پاکرفتن يك جنبش انقلابی عظیم در ابعاد انقلاب مصر و سوریه است. اما حتی در این شرایط نیز گزینه حمله نظامی انتخاب راحت و سرراستی برای آمریکا نخواهد بود. همین امروز در رابطه با سوریه شاهد این اجتناب از حمله نظامی و حل و فصل دیپلماتیک انقلابی که مایلند آنرا "جنگ داخلی" بنامند هستیم. در مورد ایران ریسک حمله نظامی برای غرب بسیار بیشتر از مورد سوریه خواهد بود. ولی در هر حال حمله نظامی بعنوان يك شیوه تحریف و قیچی کردن انقلاب و کنترل اوضاع بعد از انقلاب- در شرایطی که هیچ راه دیگری در برابر بورژوازی جهانی نباشد- يك احتمال واقعی است که باید از هم اکنون جدی گرفته شود. اما در غیاب فشار انقلاب، دخالت نظامی در ایران در انتهای لیست گزینه های غرب قرار دارد.

### فاکتور روسیه - چین

يك عامل تازه نقش روسیه، و در اتحاد با آن چین، در معادلات منطقه است. روسیه همواره در کشاکش میان غرب و جمهوری اسلامی در کنار دومی قرار داشته است اما امروز این سیاست بر متن تحولات منطقه که بالاتر اشاره شد و بخصوص با پشت سر گذاشتن تلاطمات بعد از دیوار برلین و سرو سامان یافتن نسبی مسائل داخلی بوسیله بورژوازی روس - که بازگشت پوتین به راس قدرت يك نمود آنست- از حد اعلام موضع فراتر می رود. امروز ما شاهد عروج يك بلوک تازه متشکل از روسیه و چین در منطقه هستیم که هم اکنون تاثیر تعیین کننده آن را بر سیر حوادث سوریه می بینیم. در مورد

بسط نفوذ غرب نیست. ازینرو روسیه و چین را باید يك نیروی ضد انقلابی در منطقه بحساب آورد که در رقابت با غرب تاکتیک دفاع پیگیر از دیکتاتورهای حاکم را درپیش گرفته است. این فاکتور بخصوص در رابطه با جمهوری اسلامی عامل مهمی است که باید در کنار تاکتیکهای غرب و متحدینش، مورد توجه نیروهای انقلابی قرار بگیرد. انقلاب میتواند تنها با خنثی کردن تلاشهای بورژوازی جهانی برای حفظ رژیمهای حاکم (خط روسیه) و یا رضایت دادن به تغییر آنها برای حفظ نظم حاکم (خط آمریکا) راه خود را بجلو باز کند و به پیروزی برسد.

امروز در سیاستهای مشخص تشدید تحریمها و مداخلات بر سر مساله اتمی این دو بلوک در کنار هم قرار گرفته اند اما اهداف متفاوتی را دنبال میکنند. روسیه و چین امیدوارند با مهار کردن سیاست اتمی جمهوری اسلامی کل این نظام را - البته همچنان در برابر غرب- حفظ کنند و به حیطة نفوذ خود بکشانند. از نظر روسیه دست کشیدن رژیم اسلامی از پروژه اتمی نوعی تغییر لازم برای بقای این رژیم است. دولت آمریکا و هم پیمانان غربی اش بر عکس عقب راندن جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی را پیش در آمد تغییرات وسیعتری در سیاستهای حکومت اسلامی، هرس کردن اسلام ضد آمریکائی رژیم و گنجاندن آن در چارچوب سیاستهای منطقه ای خود میدانند. در این مقطع هر دو بلوک تاکتیک اعمال فشار اقتصادی و دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی را با اهداف ویژه خود منطبق یافته اند اما این اتحاد نمیتواند پایدار بماند. نکته اصلی در این میان اینست که مستقل از رقابت و کشاکش میان این بلوکها جمهوری اسلامی همانطور که بارها گفته ایم قادر به تغییر سیاستهای ضد غربی خود و دست کشیدن از اسلام سیاسی

نیست.

### بن بست جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش برای بقای خود به ضد آمریکائی گری و پرچمداری اسلام سیاسی نیاز داشته است. اسلام سیاسی ضد آمریکائی يك امر هویتی رژیم و بخصوص امروز آخرین نقطه اتکای او برای حفظ موجودیت خود است. این موجودیت نه از جانب دولتهای غربی و بلوکهای مختلف آن بلکه اساسا از جانب انقلاب و جنبش سرنگونی طلبانه مردم تهدید میشود. رژیم موفق شد خیزش توده ای ۸۸ را فروبنشانند اما انقلابات منطقه - که اکنون گریبان متحد استراتژیکش در سوریه را چسبیده است و سر کوتاه آمدن هم ندارد- چشم انداز خطر جدی تر و مهلك تری را در برابر رژیم قرار داده است. رژیم میدانند که حتی يك گام عقب نشینی از غرب ستیزی - حتی در همان سطحی که در دوره خاتمی به آن تن داده بود- به سرعت به سقوطش منجر خواهد شد. کویدین بر طبل ضد آمریکائی گری - و تبعات آن نظیر پروژه هسته ای و حمایت از نیروهای اسلامی در منطقه و مخالفت با موجودیت اسرائیل و غیره- جزء توجیه کننده و مکمل سیاستهای سرکوبگرانه حکومت علیه مردم است و ازینرو برای رژیم يك مساله مرگ و زندگی است. از سوی دیگر حکومت اسلامی ناگزیر است برای ماندن و بخصوص برای راه یافتن به اقتصاد جهانی و سر و سامان دادن به اقتصاد ورشکسته و از هم پاشیده اش روابط خود با غرب را متعارف کند. از این نقطه نظرحتی حمایت چین و روسیه دردی از رژیم دوا نخواهد کرد. این بلوک هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی ضعیف تر از آنست که مورد اتکای رژیمهای نظیر جمهوری اسلامی در مقابله با غرب قرار بگیرد. این تناقض بخصوص امروز و بر متن حاشیه

ای شدن اسلام سیاسی بسیار حادثر و لاعلاج تر از دوره قبل گریبان رژیم را گرفته است. شرایط انفجار آمیز امروز ایران در تحلیل نهائی ریشه در این شرایط دارد.

از سوی دیگر فاکتور مبارزه و اعتراضات مردم خود پایه اصلی بن بست جمهوری اسلامی است. اگر خطر انقلاب مردم و جنبش سرنگونی طلبانه مردم نبود بن بست و تناقضی هم وجود نداشت. در این صورت تن دادن به شرایط غرب و ورود به بازار جهانی سرمایه جاده يك طرفه ای بود که حکومت اسلامی خود به استقبال آن میرفت. تلاشهایی که در گذشته در این جهت انجام شد- در دوره رفسنجانی و بعدا خاتمی- همه به همین دلیل امکان سربلند کردن انقلاب مردم بی نتیجه ماند و از دستور حکومت خارج شد. امروز بمراتب بیشتر گذشته خط نزدیکی به آمریکا کل نظام جمهوری اسلامی را در معرض "خطر" سقوط و نابودی قرار خواهد داد.

### چشم انداز انقلاب

يك ویژگی دوره ای که با انقلاب تونس آغاز شد اعاده حیثیت از انقلاب و آرمانهای انسانی و آزادیخواهانه مردم و کلا فاکتور قدرت مردم در شکل دادن به تحولات بود. آنچه در ایران امروز شاهد آن هستیم به يك معنا از پیامدهای انقلاب ۸۸ است. رژیم موفق شد جنبش ۸۸ را به عقب بنشانند اما نتوانست از نتایج آن مصون بماند. اختلافات و کشمکش های بیسابقه میان باندهای حکومتی یکی از این پیامدها است. این کشمکش ها بر خلاف جناح بندی های گذشته که بر سر خط و سیاستهای معینی - بازگشائی اقتصادی، بازگشائی سیاسی، تعامل با غرب و غیره- صورت می گرفت برسر خط و جهت گیری سیاسی معینی نیست بلکه بر سر بقا و هژمونی خود و باند خود

## حجاب، "طرح امنیت اجتماعی" و وحشت رژیم



شلا دانشگر

از صفحه ۱

اخبار این هفته باز هم حکایت از عریده کشی های رژیم بر سر اجرای طرح های "محلّه محور" و "امنیت اجتماعی" و تشدید برخورد با "بدحجابان" و غیره دارد. این جانیان هر روز از تشدید چنین طرحهایی در مدارس، در دانشگاهها، در خیابانها و اماکن عمومی، در محلات کار و فرودگاهها، در اماکن هنری و در هر گوشه و کنار شهر سخن میگویند. اما حجابها نیز هر روز عقب تر رفته و به گفته خودشان دیگر اکنون بحث بر سر حجاب برداشتن است.

نکته قابل توجه اینکه امروز در شرایطی که جامعه در حالتی انفجاری بسر میبرد و ما شاهد جنبش اعتراضی گسترده ای در

میان کارگران و بخش های مختلف جامعه هستیم، جمهوری اسلامی از وحشت به میدان آمدن دوباره مردم تلاش دارد که تحت عنوان چنین طرحهایی فضای جامعه را امنیتی کند.

به عبارت روشنتر حجاب یک عرصه مهم مبارزاتی مردم با این رژیم است. جمهوری اسلامی تمام توانش را در پیاده کردن قوانین ارتجاعی اسلامیش به کار برده است. با تمام نیروی سرکوبش، قوانین ارتجاعی اسلامی، با زندان و شکنجه اش برای برپا کردن پایه های آپارتاید جنسی اش تلاش کرده است. با به اجرا گذاشتن انواع و اقسام طرحها برای برپا نگاهداشتن پرچم حجاب در جامعه تلاش کرده است و امروز شکست آشکارشان را می بینیم. این شکستی است که بارها و بارها اعلامش را از زبان رده های مختلف حکومتی از کمیسیون های اجتماعی مجلس اسلامی تا مقامات ارشد نیروی انتظامی مثل رادان و احمدی مقدم و ساجدی نیا و غیره و از خامنه ای ولی فقیه تا رئیس جمهوری و آیات عظامشان همگی به مناسبت های مختلف و در خطبه های نماز جمعه

هایشان شنیده ایم. خود حکومت دارد از بیحجابی و حجاب برگیران صحبت میکند.

همچنین اعتراف به این شکست و زیر فشار یک جنبش قدرتمند علیه آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را در دعوای درونی شان بر سر حجاب و نحوه برخورد با آن بارها شنیده ایم. دیده ایم که چگونه در برخورد به این موضوع، پیش گرفتن راه احتیاط را به یکدیگر گوشزد کرده اند. از جمله این را در نوحه سرایی های محمد نوریزاد بخوبی میتوان دید که چگونه به چشم خود میبیند که مردود شده اند و چیزی از اسلامشان نمانده و از نظامشان نیز نخواهد ماند.

به این اعتبار رژیم خود میدانند که دیگر آب از سرش گذشته است و حریف این مردم نخواهد شد. اما علیرغم اینکه شکستش را در این عرصه میبیند و میداند که دیگر اوضاع از دستش خارج شده است، چماق حجاب را بدست میگیرد، به خیابانها قشون کشی میکند تا همانطور که اشاره کردم با ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم اعتراضات کل جامعه را عقب بزند. همانطور که دست به اعدام میزنند و هر روز انسانهای بیشتری را به قتل میرسانند، همانطور که تحت

عناوین مختلفی مثل جمع کردن ماهواره ها، میکوشد فضا را امنیتی کند. و نیز همانطور که با ایجاد فضای نا امن و حمله به پارکها، میکوشد از اجتماع جوانان جلوگیری کرده و مرعوبشان کند تا دست از پا خطا نکنند. با این تفاوت که بالاخره حجاب پرچم این رژیم و سند هویتش است و باید آنرا برافراشته نگاهدارد. باید نشان دهد که جمهوری اسلامی است و از نظامش پاس میدارد.

جمهوری اسلامی در اوج استیصال خود دست به چنین تقلاهایی میزند. رژیم در منگنه اعتراضات مردم قرار گرفته است. اختلافات درونی شان به جایی کشیده است که برای هم تشکیل پرونده داده و یکدیگر را رسوا میکنند. در عین حال جمهوری اسلامی در سطح جهانی از هر وقت منزوی تر شده است. همه اینها خطر به طغیان در آمدن مردم را بیشتر در مقابل چشم جانیان اسلامی قرار داده است و تحت چنین شرایطی است که به سراغ طرح های امنیت اجتماعی و غیره و تشدید آنها رفته است. طرحهایی که بارها شکستشان را در اجرایش اعلام داشته اند.

باید در مقابل این تعرضات ایستاد. با تشکیل گروههای جوانان در محلات جلوی قشون

کشی هایشان تحت عنوان طرحهایی چون "محلّه محور" و غیره را گرفت. در هر جا که شاهد تعرض به زنان تحت عنوان "بدحجابی" هستیم. باید فوراً آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرد و آنها را در محاصره خود درآورد. در محیط های کار و در دانشگاهها در برابر طرحهای مختلفی که تحت عنوان طرح حجاب و پوشش و غیره عنوان میکنند، اعتراض سازمان داد.

خصوصاً اینکه این موضوع همواره یکی از عرصه های مهم مبارزه دانشجویان بوده است و زمینه برای به حرکت آوردن کل دانشگاهها در اعتراض به طرحهای تبعیض جنسیتی فراهم تر است. در مناسبت های مختلف به صورت آکسیون های اعتراضی حجاب برگیران کرد و حلقه ای از جوانان و مردم چنین حرکات اعتراضی را در حمایت و پشتیبانی خود قرار دهند. و بالاخره اینکه در همه جا حضور را بر اوپاش حزب الله و نیروهای سرکوب رژیم تنگ کرد. جنگ بر سر حجاب یکی از عرصه های مهم نبرد با رژیم اسلامی در ایران است. با تمام قوا تمام طرحهایشان بر سر حجاب و تعرض به زنان را به شکست بکشانیم. آپارتاید جنسی اش باید برود.\*

## شرایط جهانی و چشم انداز انفجار سیاسی در ایران

از صفحه ۴

کرد و به همه نشان داد که بعنوان نمونه شاخص سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی، نه ادعای حمایت از قدس و مردم فلسطین در برابر صهیونیسم، بلکه حمایت از بشار اسد در کشتار مردم سوریه است.

از سوی دیگر در شرایط امروز بحران جهانی سرمایه داری چشم انداز هر نوع گشایش اقتصادی را نه تنها در برابر رژیم

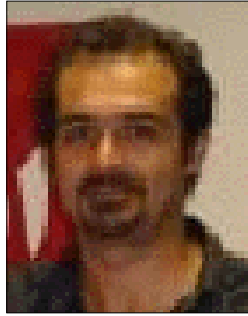
در قدرت است. انقلاب ۸۸ ادعا و ظاهر مستضعف پناهی رژیم را در یک مقیاس وسیع اجتماعی - در ایران و جهان - به کنار زد و اتوریته و هژمونی ولی فقیه را حتی در میان باندهای حکومتی شکست. انقلابات منطقه که خود از انقلاب ۸۸ الهام گرفته بودند، به نوبه خود این شرایط را تشدید

جوانان و زنان نیز میتوان مشاهده کرد. بهمان نسبتی که آمار فتوای قتل و اعدامها و بگیر و ببندها بالا میروند به همان نسبت بر قدرت تعرض نیروئی که رژیم در برابر خود متراکم کرده است افزوده میشود. آینده ایران را نه مناسبات و مذاکرات و تعاملات و جنگ و سازش بین دولتها بلکه قدرت خیابان تعیین خواهد کرد. همچنانکه امروز قدرت مردم در کل دنیا در مصر و سوریه و یونان و در غرب و در شرق عامل تعیین کننده شکل دادن به تحولات است.\*

زمینه ساز جنبش آنتی کاپیتالیستی در غرب و انقلابات میلیونی در منطقه است، زمینه های یک انفجار و طوفان زیر و رو کننده علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی اش در ایران را نیز بوجود آورده است. گسترش بیسابقه مبارزات کارگری در مقابل با بیکاری و گرانی و شرایط مشقت باری که رژیم به کارگران و اکثریت عظیم مردم ایران تحمیل کرده است میتواند پیش درآمد انقلاب عظیمی باشد که از راه میرسد. نشانه های این طوفان را در بالا گرفتن حرکت ضد مذهبی

## ادامه تلاش ها برای نجات خامنه ای و خلاصی از شر "بحران ولایت فقیه" نظارت حراستی!"

ترین خودی ها که باصطلاح حرمت ولایت فقیه را نادیده گرفتند، خط و نشان می کشد. با اینحال نمی خواهد و نمی تواند توضیح دهد که ولایت فقیه در بحران است اساسا به این دلیل که جمهوری اسلامی وکل حکومت اسلامی دیگر پذیرفتنی نیست، باید برود و هر روز با خطر انقلاب مواجه است. تمام این افاضات و تلاش ها برای اعاده حیثیت له شده ولایت فقیه هم در پاسخ به همین آگاهی از يك نفرت و خشم اجتماعی است.



هادی وفاقی

از همان زمان که خامنه ای جیره خوارترین و وفادارترین مزدوران و طرفداران خود را در دفاع از حرمت و جایگاه بر باد رفته ولی فقیه - که حداقل از همان فردای ۲۵ خرداد ۸۸ و سرکوب ها و کشتارها و اعدام های خونین پس از آن آغاز شد - بسیج و اجیر کرد، آیت الله "مهدوی کنی" يك دم در دفاع از ولی فقیه، شخص خامنه ای و این نهاد پس افتاده مذهبی کوتاه نیامده و فروگذاری نکرده است. رئیس مجلس خبرگان جمهوری اسلامی اینبار در يك سخنرانی در جمع اعضای حزب مؤتلفه اسلامی به حقایق دیگری از ماهیت جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه اشاره کرده است.

مهدوی کنی افشا کرده که همواره در مجلس خبرگان رهبری به اعضای آن یادآور شده که "باید از جایگاه رهبری حراست کنند!" راستش مهدوی کنی بخیال خودش خواسته است تعیین تکلیف کند با مخالفان رهبری که تا درونی ترین لایه های حکومت اسلامی رسوخ کرده اند! مهدوی کنی برای خودی

از برابر اعتراضات و مبارزات پرشور مردم ایران برعلیه جمهوری اسلامی نه فقط ساکت ننشسته اند، بلکه از این مبارزات حمایت کرده اند، در مجامع جهانی و هر کجا که نمایندگان جانیان اسلامی ظاهر شده اند، موج اعتراض بر علیه شان بلند بوده و بخشا نمایندگانشان را به خیلی جاها راه نداده اند. این هم شمره و قدرت اعتراض و مبارزه مردم ایران می باشد که اینگونه خارج کشور را برعلیه جنایات حکومت اسلامی وادار به واکنش کرده است. جناب لاریجانی خودش هم میدانند که حقوق بشر اسلامی اش نزد مردم ایران پیشیزی ارزش نداشته و ندارد. این مردم جمهوری اسلامی را نمی خواهند و بیش از سه دهه است که بر علیه آن در صحنه اعتراض و مبارزه بوده اند. این ۵ مورد عرصه های اصلی نبرد و رویارویی جنبش های سیاسی و اعتراضی، بشدت رادیکال و ضد مذهب، برابری طلب و سکولار مردم ایران می باشند که نفس رژیم را بریده است. رژیم خودش بارها اعتراف کرده و می کنند که پرورژه "اسلامییزه کردن جامعه" شکست خورده است. این شکست را مردم به رژیم تحمیل کرده اند، مردم اعتقادی به جهل و خرافه مذهبی ندارند. به قوانین اسلامی دوره جاهلیت بشر واقعی ننهاده و هر روز آن را زیر پا می گذارند. مردم خواهان زندگی انسانی با امکانات کافی برای همه آحاد جامعه می باشند و برایش مبارزه می کنند. و این لاریجانی و کل حکومتش را با خطرات و "تهدیدات" جدی روبرو کرده است. خطراتی که پایه های حکومت اسلامی را به لرزه انداخته و بقای آن را با مشکلات جدی روبرو کرده است. پاسخ لاریجانی و حکومتش به این عرصه های اصلی مبارزه مردم سرکوب، زندان و اعدام بوده که آن هم نتوانسته خطر این "تهدیدات" را از سرحکومت کم نماید.\*

## بازتاب هفته

### "ه" جبهه بسیار فعال علیه نظام"



محمد شکوهی

"ه" جبهه بسیار فعال علیه نظام ما: سامان دادن به معارضه داخلی، تلاش برای از هم گسیختگی معیشتی مردم، نابسامانی فرهنگی و تزلزل در اعتقادات و باورهای مردم، خراب کردن حیثیت نظام در اذهان جهانی و مسائل امنیتی. "این بخش هایی از سخنان محمد جواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر رژیم می باشد که در "نشست تخصصی حقوق بشر" ایراد کرده است.

این جناب که در صدد دادن "تصویر دیگری" از حقوق بشر اسلامی بوده به موضوعاتی به عنوان "تهدید نظام" اشاره می کند که مدتها است کل حکومت در مواجهه با آنها بوده و نتوانسته است در این عرصه ها مبارزات مردم را سرکوب نماید. اینها بهانه وسیع ترین سرکوب و بیشترین اعدام ها توسط جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته بوده است. اما این "ه" تهدید "چه چیزهایی بوده و چرا حکومت را این چنین به وحشت انداخته است؟

ه جبهه ای که لاریجانی به آن اشاره می کند واقعیات بزرگ و جبهه های اصلی نبرد و رویارویی مردم ایران با کل جمهوری اسلامی که حکومت امثال لاریجانی بیش

## بازتاب هفته

# رویارویی انقلاب و ضد انقلاب در مصر!

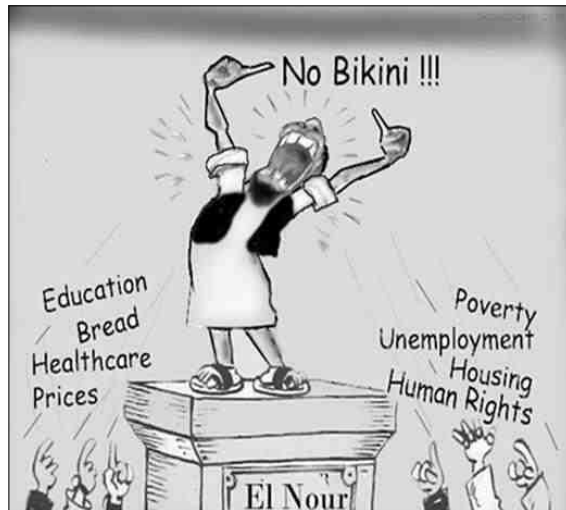
محمد شکوهی

در یکی دوهفته اخیر رویارویی نیروهای ضد انقلاب در قالب نمایندگان در مصر حدت و شدت بیشتری به خود گرفته است. شخصیت‌های اصلی این نیروهای ضد انقلابی احمد شفیق آخرین نخست وزیر مبارک و محمد مرسی می باشند. شورای نظامی و شخص طنطاوی که ریاست این شورا را در اختیار دارد با تبلیغات خود داعیه "دفاع از انقلاب مردم" را داشته و با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده است که "برای حفظ امنیت و منافع کشور" در این اوضاع بحرانی وتا اعلام نتایج انتخابات تا آخر ماه ژوئن در قدرت خواهد ماند. نظامیان پز "دفاع از انقلاب" را به خود گرفته و با تکیه بر ناآگاهی و توهمات جاری در جامعه در باره "نقش و جایگاه ارتش" در صدد بهره جستن از این وضعیت و آماده شدن برای تعیین تکلیف نهایی با انقلاب مردم، یعنی سرکوب نهایی انقلاب ناتمام مردم می باشند. در طول یکی دو هفته گذشته مجموعه اقدامات و سیاست‌هایی که نظامیان در پیش گرفته اند، خبر از یک توطئه شوم دارد. توطئه ای که در صورت موفقیت چیزی جز اعلام خاتمه انقلاب و سرکوب نهایی آن نخواهد بود.

در همین راستا اواخر هفته گذشته نظامیان پارلمان را که قرار بود قانون اساسی جدید را تهیه نماید، به دلیل دست بالا داشتن اخوانی ها و به بهانه وجود "شکایات مختلف مردمی وعدم شفافیت" منحل و اختیار قانونگذاری را در دست گرفتند. با انحلال پارلمان دار و دسته های اسلامگرا به این امر

جدید که باید حدود اختیارات نهادهای حکومتی، از جمله ریاست جمهوری را تبیین و تعیین کند، اختیارات جدیدی برای خود قائل می شود. سمت فرماندهی کل قوا و ریاست شورای نظامی به رئیس جمهوری منتخب تفویض نمی شود، شورا مسئولیت تسریع در تدوین و تصویب قانون اساسی را برعهده می گیرد و تا زمان برگزاری انتخابات و تشکیل پارلمان جدید، نقش قوه مقننه را نیز ایفا می کند.

درواکنش به این وضعیت تحمیل شده بر انقلاب ناتمام مصر دهها هزار نفر دوباره هر روز در میدان التحریر قاهره تجمع کرده و



از پایان انتخابات اعلام شد که نتیجه انتخابات تا آخر روز پنجشنبه ۲۱ ژوئن اعلام خواهد گردید. در این میان هواداران شفیق و مرسی هر کدام خود را پیروز انتخابات اعلام کردند. در واکنش به این اخبار شورای نظامی اعلام کرد که اعلام نتایج انتخابات به تعویق می افتد. بدنبال اعلام به تعویق انداختن نتایج انتخابات دوباره دهها هزار نفر دست به تظاهرات زده و این اقدام را غیرقانونی دانستند.

در اقدامی دیگر شورای نظامی روز یکشنبه هفته گذشته با صدور بیانیه‌ای اختیارات خود را گسترش داده و عملاً حاکم بلامنازع در این کشور شد. در بیانیه این شورا آمده است: "شورای نظامی با استناد به نبود قوه مقننه و فقدان قانون اساسی

انقلابی و مردمی که خواهان ادامه انقلاب بر علیه دوطرف دیگر می باشند، متأسفانه فعلاً ضعیف، بدون حزب و سازمان و بخشا بدون رهبری چپ است، ولی هنوز از حمایت مردمی برخوردار است. هر چقدر این وضعیت ادامه داشته باشد و هر چقدر کشمکش دو نیروی ضد انقلاب برای سرکوب انقلاب مردم طول بکشد، فرصتی دیگر برای انقلاب مردم بوجود می آید تا دوباره انقلاب دوم مصر برای تعیین تکلیف نهایی با نیروهای ضد انقلاب و برای به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام این مردم به میدان بیاید. اما این وقت و فرصت ابدی و برای هر زمانی نیست. انقلابیون و مردم انقلابی مصر امروز در مقایسه با چند ماه گذشته سیاستها و تاکتیکهای نیروهای ضد انقلاب را دیده و تجربه کرده اند. امروز ماهیت واقعی

نیروهای ضد انقلاب برای مردم بیشتر شده و ضرورت و حقانیت ادامه انقلاب برای در هم شکستن کامل دم و دستگاه سرکوب و ماشین دولتی بجا مانده از رژیم مبارک، برای مردم و انقلابیون روشنتر گشته است. و بالاخره این انقلاب با اتکا به همین تجربیات یک سال گذشته باید دریافته باشد که بدون حزب و سازمان، بدون بسیج توده ای و دخالت از پائین مردم برای

همه چیز حکایت از این دارد که هنوز مسئله قدرت سیاسی بلاتکلیف و معلق می باشد. پرونده انقلاب مصر بهیچ وجه بسته نشده و هر احتمالی وجود دارد. اگر در حال حاضر ضد انقلاب دارد دست بالا را میگیرد، این احتمال نیز وجود دارد که انقلاب دوم مردم مصر برای پایان دادن به این وضعیت بلاتکلیف و معلق، وارد صحنه شود. فضا و جو انقلابی هنوز وجود دارد. هنوز اعتراض و نه گفتن به هر دو طرف نیروی های ضدانقلاب در مصر صدایش بلند است. درغیر این صورت نیروهای ضد انقلاب هر اختلاف و دوری و نزدیکی که با هم داشته باشند، در برابر انقلاب مردم و سرکوب نهایی آن، یک حرف و یک سیاست را پیش خواهند گرفت.

انقلاب مردم مصر بر علیه دو نیروی ضد انقلاب اگر چه بدون حزب و سازمان و بخشا بدون رهبری چپ است، ولی هنوز از حمایت مردمی برخوردار است. هر چقدر این وضعیت ادامه داشته باشد و هر چقدر کشمکش دو نیروی ضد انقلاب برای سرکوب انقلاب مردم طول بکشد، فرصتی دیگر برای انقلاب مردم بوجود می آید تا دوباره انقلاب دوم مصر برای تعیین تکلیف نهایی با نیروهای ضد انقلاب و برای به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام این مردم به میدان بیاید. اما این وقت و فرصت ابدی و برای هر زمانی نیست. انقلابیون و مردم انقلابی مصر امروز در مقایسه با چند ماه گذشته سیاستها و تاکتیکهای

نیروهای ضد انقلاب برای مردم بیشتر شده و ضرورت و حقانیت ادامه انقلاب برای در هم شکستن کامل دم و دستگاه سرکوب و ماشین دولتی بجا مانده از رژیم مبارک، برای مردم و انقلابیون روشنتر گشته است. و بالاخره این انقلاب با اتکا به همین تجربیات یک سال گذشته باید دریافته باشد که بدون حزب و سازمان، بدون بسیج توده ای و دخالت از پائین مردم برای همه چیز حکایت از این دارد که هنوز مسئله قدرت سیاسی بلاتکلیف و معلق می باشد. پرونده انقلاب مصر بهیچ وجه بسته نشده و هر احتمالی وجود دارد. اگر در حال حاضر ضد انقلاب دارد دست بالا را میگیرد، این احتمال نیز وجود دارد که انقلاب دوم مردم مصر برای پایان دادن به این وضعیت بلاتکلیف و معلق، وارد صحنه شود. فضا و جو انقلابی هنوز وجود دارد. هنوز اعتراض و نه گفتن به هر دو طرف نیروی های ضدانقلاب در مصر صدایش بلند است. درغیر این صورت نیروهای ضد انقلاب هر اختلاف و دوری و نزدیکی که با هم داشته باشند، در برابر انقلاب مردم و سرکوب نهایی آن، یک حرف و یک سیاست را پیش خواهند گرفت.

## جمهوری اسلامی از دیدگاه منصور حکمت

از صفحه ۲

یک بدیهیت قابل مشاهده و قابل قبول برای همگان تبدیل کرده است.

شاخص دیگر نظرات منصور حکمت تحلیل اوضاع و تحولات سیاسی ایران بر اساس جنبشهای سیاسی - اجتماعی موجود در جامعه بود. او مشخصاً سه جنبش ناسیونالیسم راست طرفدار غرب، جنبش ملی - اسلامی و جنبش کمونیسم کارگری را در ایران باز می‌شناسد و مورد بررسی قرار می‌دهد و فعالیتها و موضعگیریهای احزاب و شخصیتها و نیروهای سیاسی را بر متن این سه جنبش اجتماعی و افق اهداف طبقاتی این جنبشها نقد و بررسی میکند. نظریه جنبشهای منصور حکمت به نظر من یک درافزوده مهم او به مارکسیسم و یکی از ویژگیهای کمونیسم کارگری است که کاربرد جهانی دارد - نظیر ارزیابی شکست انقلاب اکتر، شناخت شاخه های مختلف چپ غیر کارگری و جایگاه طبقاتی آنها، نقد و شناخت جنبش اسلامی سیاسی و غیره - اما تا آنجا که به شرایط مشخص ایران مربوط میشود ارزیابی و بررسی تحولات سیاسی بر مبنای سه جنبشی که گفته شد تبیین و شناخت عمیق و روشنی از روندها و رویدادهای سیاسی بدست میدهد. امروز نیز موضعگیریها و سیاستها و کلا موقعیت و وزن احزاب و شخصیتهای سیاسی چپ و راست کاملاً بر مبنای موقعیت جنبشهایی که بسترشان را تشکیل میدهد - از یکسو تضعیف جنبش اسلام سیاسی در منطقه، رسوائی بیش از پیش جنبش ملی - اسلامی و بن بست جنبش راست طرفدار غرب که حاصل بحران جهانی سرمایه است و از سوی دیگر شکل گیری انقلابات و

جنبشهای ضد سرمایه داری و به چپ چرخیدن فضای جهانی - قابل بررسی و تبیین است. مسلح بودن به و بکار گرفتن این شیوه و نگرش یکی از نقاط قوت حزب و جنبش کمونیسم کارگری در زمان منصور حکمت و در دوره بعد از او بوده است.

یک بعد دیگر نظرات منصور حکمت - که از برخورد به جمهوری اسلامی فراتر میرود - تحلیل و ارزیابی او از جنبش اسلام سیاسی است. منصور حکمت بروشنی نشان میدهد که این جنبش حاصل شکست پروژه مدرنیزاسیون غربی در کشورهای خاورمیانه در اواخر دهه شصت و اوائل دهه هفتاد میلادی بود که در دل بحران حکومتی و ایدئولوژیک در این کشورها "بعنوان یکی از آلترناتیوهای راست برای تجدید سازمان حاکمیت بورژوازی در مواجهه با چپ و طبقه کارگری که با عروج کاپیتالیسم رشد پیدا کرده بود به میدان آمد." (رجوع کنید به "عروج و افول اسلام سیاسی")

جمهوری اسلامی یک رکن مهم این جنبش ارتجاعی است. بقول منصور حکمت بدون جمهوری اسلامی این جنبش شانس زیادی برای مطرح شدن نداشت و در حاشیه سیاست میماند.

یک نتیجه مهم تاکید منصور حکمت بر خصلت سیاسی این جنبش در تقابل با تصویر ایدئولوژیک و عقیدتی است که آکادمیسینهای غربی از "اسلام فاندامننتالیست" و جمهوری اسلامی بدست میدهند. نظریه ای که حساب ملی - اسلامیون به اپوزیسیون رانده شده را از حکومت جدا میکنند و به آنان میدان میدهد. منصور حکمت میگوید:

"این اسلام سیاسی لزوماً محتوای اسکولاستیک و فقهی داده شده و متعینی ندارد. اسلام سیاسی لزوماً بنیادگرا و دکترینر نیست. از انعطاف پذیری سیاسی و پراگماتیسم عقیدتی خمینی تا محافل خشکه مقدس در جناح راست حکومت ایران، از نهضت آزادی و مهدی بازرگان و امل و نبیه بری مکلا و کراواتی تا طالبان، از حماس و جهاد اسلامی تا یا "پروتستانیسیم اسلامی" امثال سروش و اشکوری در ایران، همه بخشهای مختلف این اسلام سیاسی اند." همانجا

تا آنجا که به شرایط سیاسی ایران مربوط میشود این ارزیابی "جنبشی" از جمهوری اسلامی اجازه میدهد تا اپوزیسیون ملی - اسلامی آن را نیز بتوانیم عمیقاً بشناسیم و نقد کنیم. یکی از نتایج این تبیین و ارزیابی مقابله سیاسی حزب ما با خط "اصلاح طلبی" است که مشخصاً در سیاستهای افشاگرانه حزب در برخورد به دو خرداد از زمان اوجش در دوره ریاست جمهوری خاتمی تا برخورد به "جنبش سبز" و مذهبیون "سکولار" شده امروزی خود را نشان میدهد.

این بررسی موقعیت و سیاستهای جمهوری اسلامی بعنوان یک جزء اسلام سیاسی، بویژه امروز که اسلام سیاسی در منطقه و در کل جهان به عقب رانده شده و دوره جنگ تروریستها جای خود را به دوره انقلابات داده است، جایگاه مهمی در بررسی اوضاع سیاسی ایران و روند تحولات یافته است. بجزرات میتوان گفت که بویژه امروز بررسی تحولات سیاسی در ایران بدون داشتن ارزیابی مشخصی از موقعیت جنبش اسلام سیاسی در منطقه امکان پذیر نیست.

و بالاخره باید به جایگاه فاکتور مبارزات و اعتراضات مردم در نظرات منصور حکمت اشاره کنم. در نظرات منصور حکمت حتی در اوج قدر قدرتی جمهوری اسلامی - در دهه شصت شمسی - همچنانکه در اوج افسار گسیختگی ارتجاع جهانی - بعد از فروپاشی دیوار برلین - همیشه

مبارزات کارگران و اعتراضات توده مردم نقش برجسته و تعیین کننده ای داشت و کسب آمادگی برای ایفای نقش و بدست گرفتن رهبری این مبارزات یک رکن همیشگی تاکتیکیها و موضعگیریهای وی بود. بعنوان نمونه این نظریه که جنبش کارگری همواره فعال و در جنب و جوش است و تاکید بر نقش محافل کارگری و آژیتاتورها و رهبران عملی در جنبش کارگری - در بدو تشکل حزب کمونیست ایران در دوره بعد از سرکوب خرداد شصت، و بعد - در مقطع تشکیل حزب کمونیست کارگری در آستانه فروپاشی دیوار برلین - نشان دادن و برجسته کردن این واقعیت که کمونیسم کارگری یک جنبش زنده و موجود و داده شده در جامعه و یک گرایش قوی در جنبش کارگری است و وجود این جنبش باید پیش فرض موجودیت و سیاستها و فعالیتهای حزب باشد، از جمله موارد مشخصی است که بروشنی نقش مبارزات کارگران و توده مردم را دیدگاه منصور حکمت بیان میکند. او مدام و در نوشته ها و سخنرانیهای متعددی بر این تاکید میکند که وجود اعتراض و مبارزه در جامعه را باید فرض گرفت و کار حزب خلق کردن و براه انداختن مبارزه و اعتراض و انقلاب نیست بلکه دخالتگری و سازماندهی و رهبری آنست. با این دیدگاه بود که منصور حکمت شورش هیجده تیر را آغاز جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و از آن پس جنبش سرنگونی یک فاکتور مهم در تاکتیکیها و سیاستهای حزب در قبال تحولات مختلف بوده است. خیزش انقلاب سال ۸۸ در واقع یک نقطه اوج جنبش سرنگونی طلبانه ای بود که از دهسال قبل منصور حکمت آن را به رسمیت شناخته بود و پرچمش را برابر جمهوری اسلامی با جناح بندی های مختلف آن و اقسام "اپوزیسیون" استحالته چی و اصلاح طلبش برافراشته بود.

او حتی در نوشته "زیر حجاب اختناق" به روشنی مکانیسمهای شکل گیری و سر برآوردن چنین جنبشی را بررسی کرده و پیش بینی کرده بود. این ارزیابی چنان عمیق و دقیق و واقع بینانه است که گوئی بعد از خیزش انقلابی هشتاد و هشت و در باره آن نوشته شده است.

به عنوان آخرین نکته باید به نظریه حزب و جامعه و بویژه حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت اشاره کنم. به نظر من تجربه ۸۸ در ایران و تجربه انقلابات منطقه و جنبش موسوم به جنبش اشغال در سطح جهانی نقش و جایگاه حیاتی حزب و حزبیت کمونیستی را در تحولات انقلابی بروشنی نشان میدهد و برجسته میکند. حضور یک حزب کمونیست سیاسی و اجتماعی بر اساس تعریف و مشخصاتی که منصور حکمت در نظریه حزب و جامعه بدست میدهد شرط لازم و تعیین کننده پیشروی و پیروزی تحولات زیر و رو کننده ای است که امروز در ایران و در جهان شاهد آن هستیم.

در یک مقیاس جهانی همین نگرش و متدولوژی را در برخورد منصور حکمت به یازده سپتامبر می بینیم. او در جنگ بین قطبهای تروریستی جبهه سوم جبهه مردم متمنن جهان را نمایندگی میکند و نوید میدهد که این غول خفته بپا خواهد خاست و بدوره سیاه تقابل تروریستها نقطه پایان خواهد گذاشت و امروز دنیا شاهد تحقق این پیش بینی اوست. نظرات منصور حکمت در قبال جمهوری اسلامی ابعاد و مولفه های بیشتری دارد که اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست. بعنوان نمونه اولین نوشته های تئوریک وی در مورد شرایط سیاسی و اقتصادی در ایران - "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی"، "دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی"، "تئوری



## جمهوری اسلامی از دیدگاه منصور حکمت

از صفحه ۸

برای احیای ظواهر مذهبی در جامعه شدت میگیرد. اما این یک فشار سیاسی است. مردم به این فشار بعضاً تمکین میکنند. پشتوانه این "رنسانس" اسلامی خشونت و ترور است. در الجزایر به یک شکل و در ایران به شکل دیگر.

در ایران واقعیت این است که برعکس، به تناسب عروج اسلام سیاسی و حاکمیت دینی، موج بازگشت ضد اسلامی در سطح معنوی و عقیدتی و در زندگی شخصی مردم به طرز خیره کننده ای بالاگرفته است. عروج اسلامی سیاسی در ایران مقدمه ای بر یک انقلاب فرهنگی ضد اسلامی و ضد دینی در اذهان مردم و بویژه نسل جوان شده است که با یک انفجار عظیم جهان را متوجه خود خواهد کرد و شیپور پایان عملی اسلام سیاسی در کل خاورمیانه را به صدا در خواهد آورد.\*

مارکسیستی بحران، "جنبش دهقانی بعد از حل امپریالیستی مساله ارضی"، "دولت در دوران انقلابی" و غیره - تا همین امروز از ارکان شناخت شرایط اقتصادی-سیاسی در ایران، و حتی در مواردی - مثل تز "دولت در دوره های انقلابی" - در شناخت شرایط منطقه محسوب میشود. امیدوارم در فرصتهای دیگری به این بحث نیز بپردازم. تنها اجازه بدهید بعنوان حسن ختام قسمتی از همان نوشته "عروج و افول اسلامی سیاسی" را در اینجا نقل کنم که گوئی وصف حال شرایط انفجار آمیز امروز جامعه ایران و سر برآوردن اعتراضات ضد مذهبی است که حول فتوای قتل شاهین نجفی و اعتراض عریان علیا مهدی شکل گرفته است: "بدیهی است که با بالا گرفتن قدرت اسلام سیاسی فشار

## کسی احمدی نژاد را در برزیل تحویل نگرفت

از صفحه ۱

واکنش دولت برزیل را می توان یک آغاز و سرمشقی برای سایر دولتها به حساب آورد. جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، نمایندگی های این رژیم در سراسر جهان باید تعطیل شوند و هر گونه رابطه سیاسی و دیپلماتیک با آن باید قطع شود. در صورت بقای جمهوری اسلامی، سران جمهور اسلامی در خارج از ایران باید توسط مامورانی برای بازداشت آنها بجرم جنایت علیه بشریت، استقبال شوند.\*

همانقدر که مینا احدی در برزیل مورد استقبال قرار گرفت، احمدی نژاد تحقیر شد. رئیس جمهور و مقامات برزیل بدرستی دریافته اند که پذیرفتن رئیس یکی از جنایتکاران حکومت های جهان، به اعتبار و حیثیت آنها لطمه می زند. این واقعه یک افتضاح و شکست بزرگ برای جمهوری اسلامی و یک پیروزی برای مردم ایران و حامیان آنها در سراسر جهان است.

## ادامه تلاش ها برای نجات خامنه ای و خلاصی از شر "بحران ولایت فقیه" نظارت حراستی!

از صفحه ۷

کار را بکنم؟ این سخنرانی را بکنم؟ هر روز باید بیاید و اجازه بگیرد. یعنی واقعا رهبر یک کشور باید دائم اجازه بگیرد؟ مسلماً اینطور نیست و یک مسئله هم استطلاعی است. یعنی ما برویم دنبال کار ایشان و تمام کارهای ایشان را زیر و رو کنیم که شما چکار می کنید و چکار نمی کنید؟ کارهای شما چیست؟ مهدوی کنی اضافه می کند که "به نظر من هر دوی اینها به این معنا درست نیست!"

هم او ماهها پیش طی نامه ای به اعضای مجلس خبرگان تحت ریاست رفسنجانی یادآور شده بود که "اجازه دخالت خبرگان در جزئیات را نخواهد داد!" "جزئیات"ی که سالهاست مورد نزاع و جنگ و دعوی باندهای مختلف حکومت است. جزئیات میلیاردها میلیارد دلاری که بیشتر از سی سال است به حساب گماردگان خامنه ای در دستگاه ها و نهادهای سیاسی - نظامی و مذهبی مختلف واریز می شود. نهادهایی که از همه طرف می گیرند و بالا می کشند تا اعضا و رؤسایشان هرچه بیشتر فربه و فربه تر شوند و هر چه بهتر و بیشتر از نظام اسلامی عزیزشان دفاع کنند. نهادهایی همچون سپاه پاسداران و

کرده است دو گونه از "نظارت" بر رهبری را نیز وارد ادبیات دفاع از رهبری کند. از بحث "نظارت استصوابی" که مدتهاست برای محدود کردن قدرت و اختیارات خامنه ای در میان خود اصلاح طلبان و دوم خردادی ها مطرح است، فراتر رفته و از "نظارت حراستی" سخن گفته است! او خطاب به اعضای مجلس خبرگان رهبری، اعضای حزب مؤتله اسلامی و تمام باندهای داخل نظام می گوید: "وظایف خبرگان تشخیص رهبر و نظارت بر کار رهبر است" و اما این نظارت، "نظارت حراستی" است! مهدوی کنی توضیح می دهد که "یعنی مراقبتی که منشأ حفظ رهبری باشد" و اضافه می کند "معنایش این است که نگذاریم کارهای خلاف در مملکت واقع شود یا حملاتی واقع شود و ایشان مورد هجمه قرار بگیرند. خود ما باید سینه ها را سپر کنیم و حفظ کنیم که رهبر تنها به میدان نیاید و صحبت کند!"

خود همین جملات بخوبی گویای وضعیت نزار رهبر کثیف حکومت اسلامی هست. او برای حل مشکل ولی فقیه مذبوحانه تلاش میکند راههایی را به دست اندرکاران حکومت نشان دهد که قابل توجه است. او از "نظارت استصوابی" و "نظارت استطلاعی" حرف میزند و می گوید: "اگر نظارت استصوابی باشد، معنایش این است که رهبر هر کاری که می خواهد بکند باید بیاید از ما اجازه بگیرد. اول باید بیاید بگوید، آقایان خبرگان، اجازه می دهید من این

بسج - همان نیروهایی که وظیفه به خون کشیدن اعتراضات مردم را بر عهده دارند - که هم اکنون تمام امورات اقتصادی مملکت را در اختیار گرفته اند و سالانه میلیارد میلیارد دلار بالا می کشند و یا هزینه ماشین سرکوب عریض و طویل خود می کنند. همان نیروها و دستگاههایی که هاشمی رفسنجانی، رئیس کنار گذاشته شده مجلس خبرگان، در گفتگو با مجله "حکومت اسلامی" به آنها اشاره می کند و می گوید "هر بار که بعضی از این نهادها دعوت شدند که در جلسه خبرگان حضور پیدا کنند و گزارش عملکردهای خودشان را بدهند، دفتر رهبری مانع حضور آنها در خبرگان شد و اظهار داشتند که رهبری نظرشان این است که این موضوع جزء وظایف خبرگان نیست!"

مهدوی کنی و تمام این مقامات در تناقضاتی عمیق غوطه ورنند. مدتهاست می دانند که مردم با چه نفرتی اعمال و سکنات این از گوربرخاستگان تاریخ را نظاره می کنند و مترصد فرصتی هستند که به حاکمیت اسلام و مذهب در آن جامعه پایان دهند. نظارت استصوابی و استطلاعی و حراستی و هر نوع نظارت دیگری بر هر ارگان و نهاد دیگر جمهوری اسلامی فریبی بیش نیست و باید بساط تمام این ساز و کار آدمکشی و دزدی و نیرنگ و دروغ و شیادی را جمع کرد.\*



# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## مذاکرات مسکو: یک گام به عقب



خلیل کیوان

مذاکرات مسکو هم به نتیجه ای نرسید. هر دو طرف در مسکو بر خطوط اصلی بسته های پیشنهادی که در مذاکرات بغداد ارائه کرده بودند پافشاری کردند. غرب همچنان بر سه محور؛ توقف غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم، بستن تاسیسات هسته ای فردو و خارج کردن بقایای سوخت هسته ای حاصل از غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم از ایران و جمهوری اسلامی بر حق خود برای غنی سازی تاکید کرد و خواهان قطع فوری تحریم ها شد. ۳+۳ بر لازم الاجرا بودن قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل اتفاق نظر داشتند و جمهوری اسلامی بر مردود بودن این قطعنامه ها انگشت گذاشت و از حق غنی سازی کوتاه نیامد.

۱+۵ حتی به این راضی شد که جمهوری اسلامی فعلاً از میان این سه محور، با توقف غنی سازی ۲۰ درصدی توافق کند. این هم، مورد قبول واقع نشد. در مقابل، جمهوری اسلامی خواهان قطع فوری تحریم ها شد. غرب بر تشدید آنها در صورتیکه جمهوری اسلامی فوراً با توقف غنی سازی ۲۰ درصدی گردن نهد، تاکید گذاشت. قرار است که تحریم های وسیع تر نفتی و بانکی اتحادیه اروپا از اول ماه جولای عملی شود.

گمانه زنی در مورد حلقه های بعدی تحریم ها نیز، از هم اکنون شروع شده است.

تنها توافق مذاکرات مسکو باز نگه داشتن دریاچه مذاکرات بود. این مذاکرات يك گام نسبت به مذاکرات بغداد عقب تر رفت. در مسکو توافق شد که در سطحی پائین تر در سوم جولای، اولین گام مذاکرات بعدی که سه مرحله ای است، برگزار گردد. در مرحله اول، کارشناسان دو طرف، ملاقات خواهند کرد و پیشنهادات ۳+۳ و پاسخ جمهوری اسلامی به این پیشنهادات و همچنین، موضوعات دیگری که ایران در جلسات طرح کرده است، مورد بررسی قرار گیرد. در گام بعدی، مذاکراتی در سطح معاونین تیم های مذاکره کننده برگزار میگردد و گام سوم به این ترتیب است که در طی این روند، روسای دو تیم مذاکره کننده، کاترین اشترن و سعید جلیلی برای چشم انداز مذاکرات و برگزاری نشست سیاسی آتی در تماس باشند. این روند ناروشن و پر از ابهام است.

نتیجه مذاکرات مسکو را "روسیس کایا گازتا" که يك روزنامه دولتی روسیه است، در مطلبی در روز چهارشنبه ۲۰ ژوئن به این شکل بیان کرده است: "نشست مسکو میان ایران و گروه ۱+۵ باب مذاکرات را نبست. پیام کاملاً روشن نشست این بود که ایران تهدید به بمباران نمی شود و مذاکرات اتمی ادامه خواهند یافت". به بیانی دیگر، توافقی صورت نگرفت. جنگی فعلاً در دستور نیست. مذاکرات ادامه دارد. اظهارات بعدی شرکت کنندگان در مذاکرات مسکو بر بی اعتمادی و ناروشنی آینده مذاکرات

حکایت میکنند. کاترین اشترن در مورد این روند اعلام کرد که: "انتخاب بر عهده ایران است. ما از ایران انتظار داریم در مورد این که آیا برای اقدامات دیپلماتیک تمایل دارد تصمیم گیری کند و همچنین انتظار داریم ایران بر روی رسیدن به توافق بر سر برداشتن گام های واقعی برای اعتمادسازی تاکید کند و همچنین به نگرانی های جامعه بین المللی نیز توجه کند". ویلیام هگ وزیر امور خارجه بریتانیا با انتشار بیانیه ای کنفرانس مسکو را "فرصتی از دست رفته" خواند و جمهوری اسلامی را به فشارهای بیشتر تهدید کرد. لوران فابیوس وزیر امور خارجه فرانسه با صدور بیانیه ای خواستار تشدید فشار و تحریم کامل نفتی ایران شد. سرگئی ریباکف، نماینده روسیه در ۱+۵ اظهار داشت با توجه به مواضع متفاوت و پیچیده دو طرف، بسختی میتوان به توافقی دست یافت.

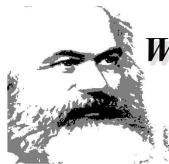
زمان بنفع جمهوری اسلامی نیست. تا پیش از اجماع در شورای امنیت سازمان ملل و اجرائی شدن تحریم ها، تاکتیک وقت کشی و فرار رو به جلو برای جمهوری اسلامی مقرون به صرفه بود. اکنون، فاکتور زمان بنفع غرب عمل میکند. غرب از نظر سیاسی با اجماع در شورای امنیت سازمان ملل و با توافق و هماهنگی با چین و روسیه بر سه محوری که در مذاکرات طرح میکند، فی الحال موقعیت خود را در مقابل جمهوری اسلامی مستحکم تر کرده است. چین و روسیه گرچه با راه حل نظامی و تحریم های یکسویه برای حل مسأله اتمی جمهوری اسلامی مخالفت میکنند اما، از جهاتی با غرب هماهنگ شده اند. در

کنفرانس سران ۲۰ کشور در برزیل، اوپاما و پوتین بیانیه مشترکی انتشار دادند و اعلام کردند که در مورد مسأله هسته ای ایران "هماهنگ" هستند.

آیا جمهوری اسلامی در مقابل این فشارها تسلیم خواهد شد؟ مسأله اتمی موضوع در خودی برای رژیم اسلامی نیست. این مسأله راهبردی برای جمهوری اسلامی است و به بود و نبود رژیم گره خورده است. موضوع مهمتری که در پس مذاکرات هسته ای حل و فصل میگردد، رابطه غرب با جمهوری اسلامی که بیش از سه دهه است که لاینحل مانده است. مسأله اتمی بهانه و محمل حل و فصل این رابطه است. رژیم اسلامی که در مقابل آمریکا و غرب عقب نشینی کند و ضد آمریکائی گری خود را تخفیف دهد، ماندنی نیست. این، چسب درونی رژیم است. رژیم اسلامی خوب میدانند که هر عقب نشینی مقدمه عقب نشینی های بیشتر و سرآغاز در هم ریختن صفوف درونی آن است. بنابراین، بعید است که جمهوری اسلامی بدون فشارهای بیشتر و تکان های شدید درونی به این سازش و عقب نشینی راضی شود. بن بست که رژیم در آن گرفتار آمده است را سایت بازتاب بخوبی منعکس کرده است. این سایت مطلبی در روز چهارشنبه ۲۱ خرداد با این عنوان که: هم چوب را میخوریم و هم پیاز را؟ منتشر

کرده است. در این نوشته آمده است که زمان بنفع غرب عمل میکند و لذا اتخاذ سیاستی تازه و لزوم يك چرخش در مذاکرات را به سران رژیم توصیه میکنند. این سایت مینویسد: "حداقل انتظار این است که مذاکرات از طرف ایران به کلی تعطیل شود و ادامه آن به زمانی پس از تعلیق یا لغو تحریم ها موکول شود، چرا که چنین تحریم هایی و از آن مهم تر، تحریم های حمل و نقل جهانی علیه ایران، تفاوت خاصی با جنگ با ایران ندارد."

جمهوری اسلامی راه پس و پیش ندارد. ادامه سیاست تاکنونی مرگ آور و ترك مذاکرات هم، از این کشنده تر است. ۱+۵ به تشدید تحریم ها امید بسته است. تاکید شده است که تحریم های تازه اتحادیه اروپا علیه صادرات نفتی از اول جولای به اجرا در آید. گفته میشود در صورت کوتاه نیامدن جمهوری اسلامی تحریم های سخت تری در سطوح ممنوعیت حمل نقل هوایی و دریایی در راه اند. برای جمهوری اسلامی که فی الحال با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو شده است و تورم شتابانی که به نارضایتی گسترده دامن زده است، این تحریم ها خرد کننده است. دوراهی سازش و لغو غنی سازی و یا پشت کردن به مذاکرات در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است.\*



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

# نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

## گزارشی از دو ملاقات با کمیسیون حقوق بشر دولت آلمان و کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا

اند، گزارشی مکتوب شامل یک لیست ۲۷ نفره از زندانیان سیاسی که حکم اعدام برایشان صادر شده است و همچنین تاریخچه بیستم ژوئن برابر با سی خرداد روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی را به این هیئت ارائه دادند.

مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، در این نشست مفصلاً در مورد وضعیت زندان رجایی شهر و محرومیت آنها از امکانات پزشکی و حذف فیزیکی آنها توسط رژیم با توسل به محروم کردن آنها از دارو و درمان توضیح دادند و از آنها خواستند که در زمینه فشار به رژیم اقدامات جدی بعمل آورند. این گزارش مورد استقبال و توجه اعضای هیئت پارلمان اروپا قرار گرفت و قرار شد بر اساس این گزارش و گزارشات بعدی از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اقداماتی در دستور قرار دهند و برای اولین اقدام این گزارش را با سایر

بیان آزاد بشدت محدود است، عده کثیری از منتقدان رژیم ایران شامل روزنامه نگاران، دانشجویان، مدافعان حقوق بشر، و فعالان حوزه زنان هم اکنون در بند هستند و در یک سال گذشته حداقل ۳۶۰ نفر اعدام شده اند.

### ملاقات مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با کمیسیون حقوق بشر اروپا

روز ۱۸ ژوئن (۲۹ خرداد) نیز به مناسبت برگزاری بیستم ژوئن روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و سرور کاردار مسئول این کمیته با هیئتی از بخش حقوق بشر پارلمان اروپا دیدار کردند. در این جلسه هیئتی

جنایات جمهوری اسلامی بود. مینا احدی در این رابطه نامه انتقادی خود به ستروله وزیر امور خارجه آلمان را نیز به کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان داد و گفت که فشار دول غربی به جمهوری اسلامی میتواند فاکتوری در جهت کاهش اعدامها و سرکوبها باشد. همچنانکه که مامشات و سکوت آنها دست جمهوری اسلامی را در سرکوب مردم بازتر میگذارد. دولت آلمان و سایر دول غربی باید به این سیاست مامشات با جمهوری اسلامی خاتمه دهند و بشیوه ای علنی و قاطع نسبت به هر مورد اعدام، جنایت و سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی عکس العمل نشان دهند.

توم کونینگز رییس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان گفت که ما همیشه به اعدامها و نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده ایم. او از سفر اخیر خود به ایران و دفاع از عبدالفتاح سلطانی حرف زد و اینکه آنها خواهان دیدار با زندانیان سیاسی در ایران هستند و میخواهند به آنها اعلام کنند که آنها را فراموش نکرده اند و از حقوق آنها دفاع میکنند. در ادامه این گفتگو رییس کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد که به مناسبت بیست ژوئن سالروز شروع کشتار زندانیان سیاسی، بیانیه ای خواهند داد و همچنین در یک نشست پارلمان آلمان کمیسیون حقوق بشر مجدداً اعدامها در ایران را با حضور نمایندگان همه احزاب، محکوم خواهند کرد.

بدنبال این ملاقات و بنا به قول هائی که داده شده بود، روز ۲۰ جون (۳۱ خرداد) کونینگس، رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان، به مناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران اعلام کرد که در این کشور حق



سوسیال دمکرات همراه با دو نفر دیگر از همکاران کمیسیون نیز حضور داشتند.

در این نشست مینا احدی در مورد اینکه ماه ژوئن سالگرد آغاز اعدامهای گسترده زندانیان سیاسی در اوایل دهه شصت شمسی است صحبت کرد و گفت جمهوری اسلامی هم اکنون نیز روزانه تعدادی را اعدام میکنند. مینا احدی گزارشات و نامه هائی مبنی بر سرکوب و نقض حقوق اساسی مردم ایران از جمله نامه زانیار مرادی از زندان رجایی شهر، نامه هوتن کیان وکیل سکینه محمدی آشتیانی از زندان تبریز و بیانیه ای در مورد بیست ژوئن روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و اعتراض به جنایات دهه شصت در ایران را به رئیس کمیسیون ارائه کرد و شفاها نیز فشرده ای از رفتار حکومت اسلامی با زندانیان سیاسی، اعدام های گسترده و سرکوب سیستماتیک مردم ایران را توضیح داد. یک محور مذاکرات حول انتقاد به سکوت و مامشات ۳۳ ساله دول غربی، سیاستمداران و احزاب حاکم و مشخصاً دولت آلمان و اتحادیه اروپا در قبال

روزهای ۱۵ و ۱۸ ژوئن مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام با مسئولین کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان ملاقات کرد. همچنین شیوا محبوبی و ابوالقاسم کاردار مسئولین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا دیدار داشته و در مورد اعدامها، زندانیان سیاسی و نقض سیستماتیک حقوق مردم در ایران صحبت کردند و مامشات دول اروپائی با جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار دادند.

به گزارش کمیته بین المللی علیه اعدام، روز ۱۵ ماه ژوئن مینا احدی در ملاقات با توم کونینگز رییس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان در مورد نقض وحشیانه حقوق انسانی در ایران و بویژه اعدامهای گسترده و احتمال اعدام هفت فعال سیاسی در این روزها در مورد موقعیت خطرناک هوتن کیان وکیل سکینه محمدی آشتیانی و در مورد شاهین نجفی هنرمند ایرانی - آلمانی گفتگو کرد. در این نشست آنجلیکا گراف نماینده پارلمان آلمان و عضو کمیسیون حقوق بشر از حزب



اعضای کمیسیون حقوق بشر، کمیته های زیر مجموعه این کمیسیون و همینطور سفیران کشورهای اروپایی در ایران مطرح کنند و اقدامات موثری را در دستور قرار دهند. مسئولین کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا همچنین اعلام آمادگی کردند که روز ۲۰ ژوئن در جلسه ای که قرار است جهت معرفی سفیر جدید

از سوی بخش حقوق بشر پارلمان اروپا مرکب از مسئول بخش قوانین حقوق بشر خانم رینا کیونکا به همراه انتونیس الکساندریدس، لینه هاو و روبرتو اولمی از مسئولین بخش حقوق بشر در امور ایران حضور داشتند.

شیوا محبوبی و سرور کاردار گزارش مکتوبی در مورد قتللهای خاموش در زندان رجایی شهر کرج و لیستی از زندانیان سیاسی که در این زندان جان خود را از دست داده

## اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران درمورد برگزاری اعتراضات و تظاهرات در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲

و حمایت زیادی را به امر زندانیان سیاسی جلب نموده است. این مصاحبه‌ها همچنین در وبلاگ و صفحه و سایت کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ایران قابل دسترسی است.

<http://juneiran.wordpress.com>

بعلاوه ۱ ساعت برنامه زنده تلویزیونی برای زندانیان سیاسی که هر ۲ هفته یک بار از تلویزیون کانال جدید پخش می‌شود کاری است اساسی برای رساندن صدای زندانیان سیاسی به صفوف میلیونی مردم و همچنین کسب حمایت‌های مردمی. تیمهای مختلف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با تولید تعداد زیادی کلیپ از وضعیت زندان و زندانیان سیاسی، توانستند کار بزرگی در زمینه آگاهی دهی انجام دهند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از تلاش بی‌دریغ تمامی تشکلهای و نهادها و دوستان عزیز که شبانه روز زحمت کشیدند تا ۲۰ ژوئن قدرتمندی داشته باشیم صمیمانه قدردانی میکند.

Campaign to Free  
Political Prisoners  
in Iran (CFPPI)  
coordinator sarvar  
kardar

ژوئن آقایی انتونیس الکساندریدس به کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اطلاع داد که تمام گزارشات به سفیران و کمیته های مختلف کمیسیون حقوق بشر ارسال شده است.\*

حزب سوسیال دمکرات آلمان و دو نفر از همکاران کمیسیون حقوق بشر نیز حضور داشتند، رییس کمیسیون حقوق بشر توم کونیکز گفت که به مناسبت بیست ژوئن یک اطلاعیه مطبوعاتی خواهد داد. که دیروز چهارشنبه بیست ژوئن این اطلاعیه به دست کمیته بین المللی علیه اعدام رسید. همچنین کیث بست رئیس سازمان رهایی از شکنجه در سخنرانش در پارلمان انگلستان از بیستم ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی و فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی حمایت کرد. احزاب و نهادهای متعددی همراه با بسیاری از مردم آزادیخواه در این حرکت شرکت کردند و رسانه های متعددی این حرکت را پوشش دادند. لازم به ذکر است که کلیه این حمایتها در صفحه ۲۰ ژوئن ثبت شده و برای عموم قابل دسترسی است. سخنگوی کمیته CFPPI شیوا محبوبی در مورد ۲۰ ژوئن و اهمیت آن به دهها مصاحبه تلویزیونی و رادیویی دعوت شده و این مصاحبهها توجه

۲۰۱۱ که دهها شهر جهان به آن پیوست و آکسیون ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ که ۲۹ شهر جهان از آمریکا تا استرالیا و اروپا به آن پیوست درستی این حرکت را به اثبات رساند. به پشتوانه این حرکتها ۲۰ ژوئن و زندانیان سیاسی ایران در پارلمان آلمان و انگلیس و همچنین در دیدار مسئولین کمیته در تاریخ ۱۸ ژوئن با نمایندگان بخش حقوق بشر پارلمان اروپا رسماً مطرح شد و از آنها خواسته شد که اقدامات جدی در این زمینه به عمل آورند.  
[http://www.youtube.com/watch?v=f&ZwEQvZcBm&S=v&embed\\_player=eaturedded](http://www.youtube.com/watch?v=f&ZwEQvZcBm&S=v&embed_player=eaturedded)  
روز جمعه ۱۵ ماه ژوئن نیز مینا احدی با رییس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان ملاقات و مذاکره کرد. در این نشست که از طرف کمیسیون حقوق بشر خانم آنجلیکا گراف نماینده پارلمان از

میکند مبارزه دو نسل از مردم ایران را به هم پیوند دهد، ۳۰ خرداد ۶۰ را به ۳۰ خرداد ۸۸ وصل کند، حقایق سه دهه جنایت رژیم را را اختیار نسل جوان بگذارد و ۲۰ جون (۳۰ خرداد) را به روزی فراموش نشدنی در تاریخ مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت تبدیل کند. کمیته سعی می‌کند با ایجاد پیوند بین دو نسل مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی یک تصویر تاریخی واقعی از آنچه اتفاق افتاده را بدست بدهد و این مبارزه را وسعت دهد. برای رسیدن به این هدف کمیته در ۲ محور موازی، خیابان و ارتباطات سیاسی بین المللی، به طور فشرده کار میکند. فراخوان بین المللی ۲۰ ژوئن در واقع دعوت به حرکتی است جهانی برای آمدن به خیابان و در یک همبستگی جهانی، صدای زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان رساندن. تا جمهوری اسلامی بداند که برای هر اعدامی باید بهایی سنگین بپردازد.  
آکسیون جهانی ۲۰ ژوئن

سال ۱۳۵۷ رژیم منفور جمهوری اسلامی با دزدیدن انقلاب توانست حکومت مذهبی خود را با سرکوب و اعدام از همان روز اول به میلیونها انسان تحمیل نماید. در ۳۰ خرداد ماه مصادف با ۲۰ ژوئن سال ۱۳۶۰ رژیم سرکوب سیستماتیک خود را وسعت داده و موج وسیعی از دستگیریهایی فله‌ای و بدنبال آن شکنجه و اعدامهای وسیعی را راه انداخت که در نتیجه هزاران نفر جان خود را از دست دادند. در خرداد و تیر ماه ۱۳۶۷ رژیم بار دیگر به اعدام هزاران زندانی سیاسی دست زد. در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۹ میلیونها نفر علیه جمهوری اسلامی به خیابانها ریختند و تلاش تاریخی و جانانهای را در تاریخ مبارزاتی خود ثبت کردند. رژیم که موجودیت خود را شدیداً در خطر میدید با تمام قوا به سرکوب دست زد و تنها در روز ۲۰ ژوئن بیش از ۵۰۰ نفر در تهران دستگیر و زیر شکنجه‌های قرون وسطایی رفتند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش

### گزارشی از دو ملاقات با کمیسیون .....

کانادایی) انجام داده است به اطلاع کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی خواهد رساند. شیوا محبوبی و سرور کاردار همچنین درمورد روز بیستم ژوئن (سی خرداد)، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی و تاریخچه این روز صحبت کردند و از آنها خواستند از این روز حمایت کنند که در این زمینه نیز قرار شد تاریخچه مکتوب این روز که توسط کمیته ارائه شده بود و اطلاعیه برگزاری این روز در اختیار اعضا کمیسیون و سایر

سیاسی که حکم اعدام برایشان صادر شده، صحبت کرده و از کمیسیون حقوق بشر خواستند که اقدامات موثری علیه جمهوری اسلامی به عمل بیاورد. آقایی انتونیس الکساندریدس ضمن اشاره به ملاقات خود با دولت کانادا اظهار داشت که بزودی اقداماتی را که در رابطه با چند زندانی مشخص از جمله حمید قاسمی شال (شهروند ایرانی-)

جمهوری اسلامی در بلژیک با حضور مسئولین بخشهایی مختلف پارلمان اروپا و مدیا برگزار شود، وضعیت زندان رجایی شهر و گزارش رسیده از سوی کمیته را با سفیر جمهوری اسلامی مطرح کنند و از او در این رابطه توضیح بخواهند. در بخش دیگری از این ملاقات، سرور کاردار و شیوا محبوبی درمورد ۲۷ زندانی

**انترناسیونال**  
**نشریه حزب کمونیست کارگری**  
**سردبیر: بهروز مهرآبادی**  
**مسئول فنی: نازیلا صادقی**  
**ای میل: anternasional@yahoo.com**  
**انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود**

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**